

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (51), Summer 2024 https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/LYRICLIT.2024.1121397
----------	--

Research Article

Received: 03 April 2024

Revised: 12 May 2024

Accepted: 25 May 2024

A Comparative Study of the Characteristics of the School of Romanticism in Moeini Kermanshahi's Poetry

Tahmoures Geravandi¹, Reza Borzouei², Sharareh Elhami³, Roghayeh Alavi³

1. Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran
2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author)
E-Mail: reza.borzouei@iausdj.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Abstract

The school of romanticism is one of the literary schools that has had a great impact on the poetry of Kermanshah poets such as Rahim Moini Kermanshahi. Rahim Moeini Kermanshahi is a contemporary poet, who was born in Kermanshah in 1301 AH. The collections "Burn the Candles" and "Khorshid Shab" include sonnets and the collection "Fitrat" written with the weight and style of a spiritual masnavi, and the collections "Shahkar" and "Untold Story" are among his other works. Certain poems are not limited to a specific topic and format. Moeini is one of the most successful lyric poets of the present era and he has worked in the context of Iraqi style poets. Based on the results of this research, it can be concluded that the theme of Moeini's poems is influenced by the symbols of the romantic school with themes such as: glory of Time and loneliness, love and affection, difficulties of life in society, patriotism, attention to history, women, naturalism, people's disadvantages and expressing their ignorance. In this essay, we will examine and analyze the works of Moin Kermanshahi and the influence of the principles of the romantic school on his literary thought. The method of studying and reviewing sources is library method. The article is written using a descriptive and analytical essay with the selection of poetic examples of the poet.

Key words: Kermanshah, Moeini Kermanshahi, symbol, romantic.

Citation: Geravandi, T.; Borzouei, R.; Elhami, Sh.; Alavi, R. (2024). A Comparative Study of the Characteristics of the School of Romanticism in Moeini Kermanshahi's Poetry. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (51), 96-111. Doi: 10.71594/LYRICLIT.2024.1121397

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال چهاردهم، شماره پنجاه و یک، تابستان ۱۴۰۳، ص. ۹۶-۱۱۱

مقاله پژوهشی

بررسی شاخصه‌های مکتب رمانتیسم در اشعار معینی کرمانشاهی

طهمورث گراوندی^۱، رضا برزویی^۲، شراره الهامی^۳، رقیه علوی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول) reza.borzoii@iausdj.ac.ir

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

چکیده

از میان جریان‌ها و مکاتب غربی، مکتب ادبی رمانتیسم بر اندیشه شاعران معاصر کرمانشاهی به‌ویژه رحیم معینی کرمانشاهی تأثیرگذار بوده است. بیشتر غزل‌های معینی کرمانشاهی بر محور بیان احساس عاشقانه همراه با اغراق استوار است و مضامین و ویژگی‌های مشابه این مکتب با ادبیات غنایی فارسی در آثار این شاعر نمایان است. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک این دو مکتب، بیان احساسات و عواطف، تراژیک بودن، اندوه، حسرت، ماهیت نمایشی داشتن، اجتماعی بودن، زبان اول شخص، ایجاز، وابستگی به زمان حال، وصفی بودن، تخیل نیرومند و بیان موسیقایی است. این پژوهش بر آن است تا با مطالعه منابع موجود به بررسی تأثیر اصول مکتب رمانتیک در اندیشه ادبی معینی کرمانشاهی و تحلیل آثار شاعر بپردازد. نتیجه نهایی از یافته‌های پژوهش اینکه اشعار معینی تحت تأثیر نمادهای مکتب رمانتیک و ژانر غنایی با مضامینی همچون شکوه از روزگار و تنهایی، عشق و محبت، دشواری‌های زندگی در جامعه، وطن‌دوستی، توجه به تاریخ، زن، طبیعت‌گرایی، معایب مردم و بیان جهل و نادانی سروده شده است.

کلیدواژه‌ها: رمانتیسم، ادبیات غنایی، شعر فارسی، معینی کرمانشاهی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

۱. مقدمه

همواره پس از روی کار آمدن مکتب یا جریانی، پدیدآوردندگان آثار از آنها متأثر می‌شوند و به رواج آن تفکر یا مکتب کمک می‌کنند. در ایران نیز شاعران و نویسندگان اهل مطالعه از تأثیر مکاتب ادبی بی‌نصیب نمانده‌اند، چنان که در سبک شعر آنان، اثر و رد پای توجه به مکتب‌های غربی دیده می‌شود. البته نباید همه این تأثیرات را برآمده از محیط و سبک غربی بدانیم، بلکه عوامل کلی جهانی و منطقه‌ای بسیاری در این امر دخیل است. شعر «رمانتیک» شعری جهانی و پیشرو در اکثر جوامع است. شعر رمانتیک قریحه را با هنر و طبیعت ادغام می‌کند.

اشعار معینی کرمانشاهی به موضوع و قالب خاصی محدود نیستند. معینی در مجموع از شاعران غزل‌سرای سبک عراقی موفق عصر حاضر است. با وجود این، زبان تأثیرگذار معینی و خوش‌وزنی اشعار او با بیان ساده، اشعار او را خواندنی‌تر کرده است. مجموعه آثار معینی کرمانشاهی «ای شمع‌ها بسوزید» و «خورشید شب» شامل غزلیات و مجموعه «فطرت» با وزن و سبک مثنوی معنوی سروده شده و مجموعه «شاهکار» و «حکایت نگفته» از دیگر آثار اوست.

در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ چهره شاخص شعر کرمانشاه، یدالله بهزاد است که در کنار علیرضا نوبتی (پرتو) شعر کرمانشاه را از رکود دوران بعد از کودتا، به واسطه تحولات سیاسی و اجتماعی بیرون آوردند. پس از انقلاب اسلامی نیز چهره‌های دیگر چون محبت، احمد عزیزی، معینی کرمانشاهی، علی الفتی در حوزه شعر فعالیت کردند.

پیدایش مکاتب ادبی در ادبیات غرب با ویژگی خاصی که داشتند در شعر و ادب معاصر فارسی نیز تأثیرگذار بود و شاعران و نویسندگان زیادی را هم‌زمان با مشروطه‌خواهی و پسامشروطه، تحت تأثیر قرار داد و به نوعی سرآغازی برای ادبیات ایران بود. این مکاتب از رئالیست آغاز شد و در ادامه با نیما یوشیج به سمبولیسم و رمانتیسم نیز تمایل پیدا کرد و به انحای اشکال مختلفی شاعران معاصر پس از وی را تحت تأثیر قرار داد و «رمانتیسیسم» در دو شاخه فردی و اجتماعی در شعر معاصر تکامل یافت» (زرقانی، ۱۳۹۴: ۲۱۹). پس از آن نیز با رواج مکاتب ادبی خاص دیگری در غرب، شعر برخی از شاعران فارسی نیز از آن مکاتب نشانه‌هایی دارد. معینی کرمانشاهی را می‌توان با توجه به حرفه هنری او نقاش ادبی دانست که با مهارت هنری که در نقاشی داشته، توانسته واژه‌ها را با مضامین خاص فرهنگی خود درآمیزد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

جستجو در پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد، مباحث این مقاله برای اولین مرتبه مطرح می‌شود و پیشینه تحقیق عبارت است از مقالات عمومی اندکی که راجع به معینی کرمانشاهی و آثار او انجام گرفته است، برخی از مقالات معرفی می‌گردد. حق‌شناس و فروزان (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی اشعار رحیم معینی کرمانشاهی (با تکیه بر دفتر شعری ای شمع‌ها بسوزید)» به معرفی خصوصیات و ویژگی‌های شعری رحیم معینی کرمانشاهی در مجموعه «ای شمع‌ها بسوزید» به روش توصیفی تحلیلی و در سه محور زبانی، ادبی و فکری بر روی غزلیات وی پرداخته‌اند. نتیجه اینکه معینی کرمانشاهی در سطح زبانی از زبان معیار بیشتر بهره برده است و شاخصه‌های کهن‌گرایی، محاوره‌گرایی و لغات عربی و باستانی و کهن به‌صورت متعادل در شعر او یافت می‌شود. از لحاظ ادبی به سیاق شاعران سبک عراقی، از آرایه‌های بدیعی و صورخیال در حد اعتدال استفاده کرده است. شکایت از روزگار، مضامین اندرزی و تعلیمی، توجه به عشق و معشوق و نیز تا حدودی توجه به مضامین عارفانه از ویژگی‌های فکری اوست.

حسن سوری (۱۴۰۱) در مقاله «شعر رحیم معینی کرمانشاهی و ایلایا ابوماضی در آینه ادبیات تطبیقی» به این نتیجه رسیده است که «ایلایا ابوماضی» و «رحیم معینی کرمانشاهی»، از مکتب رمانتیسم متأثر بوده‌اند و برخی از اصول مکتب رمانتیسم را در آثار خود نشان داده‌اند. عشق و محبت، شکوه از تنهایی، زن، طبیعت‌گرایی، وطن‌دوستی، توجه به تاریخ و دین، مدح، رثا

و داستان‌های شعری از مضامین مشترکی است که در شعر ابوماضی و رحیم معینی کرمانشاهی نمود دارد. یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که اگرچه اندیشه و افکار دو شاعر در مضامین بیان شده به هم نزدیک است، اما نقطه متفاوت در نگاه آن‌ها تأمل و تفکر مشهود و وجهه اجتماعی برجسته در اشعار ابوماضی و در مقابل، وجهه فردی غالب و احساس و عاطفه پررنگ‌تر در اشعار معینی است.

برزوی و ولی‌زاده (۱۳۹۹) در مقاله «مضمون‌آفرینی و تصویرسازی با عناصر طبیعت بومی در اشعار معینی کرمانشاهی» در چهارمین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی به این نتیجه رسیده‌اند که معینی کرمانشاهی شاعری است که از نماد همچون ابزاری برای بیان مفاهیم اجتماعی، استفاده می‌کند. بسامد این نمادهای اجتماعی در مجموعه‌های «ای شمع‌ها بسوزید»، «خورشید شب» و «خواب نوشین» بیشتر است. تأثیر طبیعت بومی و اقلیم کرمانشاه بر شعر معینی زیاد است. او سمبل‌هایش را بیشتر از طبیعت بومی می‌گیرد و از آنجا که از سرزمین کوهستانی کرمانشاه برخاسته است و از نزدیک با طبیعت زیبا و کوهستانی آن در ارتباط بوده است، در اشعارش توصیفات بصری و زنده‌ای از طبیعت می‌آورد. به همین دلیل نمادهایی چون کوه، صخره، صحرا، توفان، سیل، گل‌های خودرو، لاله و سنبل در اشعارش، فراوان به چشم می‌خورد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. ادبیات غنایی

شعر غنایی بیشتر، شعری احساس‌گرا و مبتنی بر عشق و زیبایی و سرچشمه گرفته از عواطف درونی است. انعکاس صریح احوال اجتماعی، زندگی شاعران، وضع دربارها، جریانات سیاسی و نظامی، از عمده ویژگی‌های این سبک است. «تجربه عنصر اساسی نوع غنایی است و عدم تجربه‌های شاعرانه - نه فقط عملی - موجب شده که منطق رمانتیسم ایرانی، کلاسیک باشد» (تسلیمی، ۱۴۰۱: ۲۴). شعر غنایی آینه عواطف و احساسات و آلام یا لذات شاعر است؛ به عبارتی، لذت‌ها، شادی‌ها، دنیای آرمانی، یأس‌ها و ناامیدی‌ها تا پند و اندرز، وصف، مرثیه تمام اندیشه‌هایی است که فحوای شعر غنایی را تشکیل می‌دهد. این نوع ادبی، از ژانرهای ادبی پرتعداد در ادبیات فارسی است؛ از جمله ویژگی‌های بارز ادبیات غنایی می‌توان به بیان احساسات و عواطف، تراژیک بودن، اندوه، حسرت، ماهیت نمایشی داشتن، اجتماعی بودن، زبان اول شخص، ایجاز و کوتاهی، وابستگی به زمان حال، وصفی بودن، تخیل نیرومند و بیان موسیقایی را نام برد. در ایران، غزل، قالب شاخص شعر غنایی به شمار می‌رود. به رغم تنوع‌های گفته‌شده، سه ویژگی بنیادین شعر غنایی که کمابیش در همه انواع آن حفظ شده‌اند، عبارت‌اند از «صبغه‌ای تماماً ذهنیت‌منا (عاری از توصیف‌های عینی)، لحن آهنگین و مشحون از احساسات و بیان عواطفی شورمندانه و شخصی» (پاینده، ۱۴۰۱: ۵۱).

۲-۲. مکتب رمانتیسم

در سبک‌شناسی، سبک‌های متداول در شعر فارسی را می‌توان به چند دسته عمده تقسیم کرد و بر این اساس و تقسیم‌بندی، عرصه فعالیت رمانتیسم واقعی را می‌توان در سبک جدید و میانی یعنی ادبیات دوره مشروطه به بعد دانست. در این دوره است که رمانتیسم در ایران به تبع رمانتیسم اروپایی رشد کرد و تا حدودی شکل واقعی به خود گرفت. «در آثار رمانتیک ایران، آن گسست جدی از آثار سنتی صورت نگرفته، از همین رو است که شمس لنگرودی، این گونه آثار را نوکلاسیک و نوقدمایی دانسته است. شاعران کلاسیک و سنتی معاصر ایران که از شعر صریح اجتماعی دوران مشروطه دلزده شده بودند، به همان زبان و مضمون‌های گذشته، از جمله تغزل روی آوردند معینی کرمانشاهی نیز از جمله شاعران بازمانده مشروطه است» (تسلیمی، ۱۴۰۱: ۱۷).

برخلاف مکتب کلاسیسم که از قواعد و اصول و معین پیروی می‌کرد، هنرمند رمانتیک اصول ثابت و معین ندارد؛ زیرا مکتب رمانتیسم مکتب پیچیده‌ای است. با این همه محققان کوشیده‌اند از میان آثار و نوشته گوناگون ادبیات رمانتیک اصول و قواعد زیر را بیرون کشند. «نوع ادبی رمانتیک یگانه نوعی است فراتر از یک نوع و می‌توان گفت که نفس شعر است؛ زیرا به یک معنی، هر شعری رمانتیک است و باید باشد» (حسینی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۳۹). دیگر ویژگی‌های رمانتیسم و تفکر رمانتیکی نظیر درونگرایی، گرایش به غم، اندوه، انزوا، تنهایی، خیال‌پردازی وسیع است.

جدول (۱): اصول رمانتیسم و غنایی

رومانتیسم	غنایی
تفکر رمانتیکی	احساس‌گرا و مبتنی بر عشق و زیبایی
غم، اندوه، انزوا، تنهایی	تراژیک بودن
خیال‌پردازی وسیع	ماهیت نمایشی داشتن
درونگرایی	اجتماعی بودن
فرار به سوی فضاها و زمان‌های دیگر	وابستگی به زمان حال

۲-۲. تفاوت ادبیات غنایی و رمانتیسم

نهضت «رمانتیسم» متعلق به اروپا است، اما حس رمانتیک در دیگر کشورها و از جمله ایران، وجود داشته و دارد. رمانتیک در اشعار شاعرانی ایرانی همچون نیما، توللی، فروغ، نادرپور، معینی کرمانشاهی نمود دارد، سبک‌های ادبی دیگری را نیز می‌توان یافت که عرصه تجلی ویژگی‌های ادب رمانتیک است. مهم‌ترین آنها ادبیات غنایی فارسی است. سبک عراقی را می‌توان پایگاه ادب غنایی در ادبیات کهن ایران دانست، خصوصیات چو احساس‌گرایی، حساسیت و غم‌گرایی، اسطوره‌گریزی، جولان خیال، توصیف، گرایش به مذهب و عرفان را داراست که شباهت‌های بسیاری با رمانتیسم دارد. این شباهت به دلیل جهت‌گیری رمانتیک به سوی گذشته است. «مهمترین ملاک رمانتیک‌ها تجربه است، به گونه‌ای که خوانندگان، همگی متن را خودجوش و به شیوه‌ای هماهنگ اثرگذار و ناشی از یک زندگی و تجربه عملی می‌دانند» (تسلیمی، ۱۴۰۲: ۲۲). با این وجود ادبیات غنایی بر پایه عقل و خرد بنا شده است و در عمده اشعار شاعران این سبک رنگ و بوی واقع‌گرایی و بعضاً حماسی و انعکاس صریح احوال اجتماعی و جریان‌ات سیاسی دیده می‌شود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۴۷).

جدول (۲): تفاوت‌های مکتب رمانتیسم و غنایی

رومانتیسم	غنایی
عاطفه و احساس	عقل و خرد
وجدان و دریافت درونی	احوال اجتماعی و سیاسی
رؤیا	واقع‌گرایی
معنی رمزی، اشاره ای، مبهم	معنای صریح
تجربه عملی	ادراک بصری

۳-۲. رمانتیسزم در ایران

هیچ مکتبی را نمی‌توان سراغ گرفت که تا این حد بر شعر و ادبیات معاصر ایران تأثیر گذاشته باشد. البته بدیهی است که شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور ما با شرایطی که در غرب موجد این مکتب می‌شود چندان قرابتی ندارد، اما در دوران مدرن یک تفکر با سبک یا جریان ادبی برای سفر جغرافیایی هرگز معطل ایجاد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی نمی‌ماند، از سوی دیگر نباید از یاد برد که بخشی از جامعه ما در مناسبات خود، عناصری از مدرنیته را به خود کشیده و تجربه کرده است. پس رمانتیسزم ایرانی به قدر تفاوت‌های فرهنگی ما با غرب هم در تطبیق بلافصل با آن مقاومت می‌کند و هم به قدر سهم ما از مدرنیته بدان هم‌سویی می‌جوید. از این رو شفیعی عقیده دارد «به کار بردن این کلمه از روی توسع و ناچاری است، پس آن را با رمانتیسزم اروپایی اشتباه نکنید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۵۴).

«ریشه‌های رمانتیسزم در ادبیات جدید فارسی را باید در دو زمینه مختلف جستجو کرد: نخست آشنایی با ادبیات غرب به ویژه فرانسه و ادبیات نوین ترکیه و قفقاز و تأثیرپذیری از آن و دوم ورود جامعه ایرانی به عصر جدید و طی کردن سیری کمابیش مشابه با جوامع اروپایی و پیدایش عوامل اجتماعی و فکری ظهور رمانتیسزم از دل این تحولات جدید (ر.ک: جمالی، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۶۱). در ایران معاصر سبک‌ها و مکتب‌های ادبی متفاوت و گاه متباین در کنار هم آمیخته با یکدیگر به حیات خود ادامه می‌دهند و گاهی یکی از آنها پررنگ‌تر یا کمرنگ‌تر جلوه‌گر می‌شود و طبیعی است که هیچ یک از این سبک‌ها و مکتب‌ها نمی‌توانند آن اوج و عظمتی را که در یک دوره از ادبیات جدید فارسی بتوان آن را رمانتیک نامید نشان دهند، ولی شرایط فرهنگی و اجتماعی جدید باعث شد که از صدر مشروطه تا چندین دهه بعد از زمان‌های مشخص و رمانتیک در ادبیات فارسی حضور داشته باشند (ر.ک: عزیزی، ۱۳۹۵: ۳۷).

از اواخر عهد مشروطه زمینه برای تقویت دیدگاه رمانتیسیمی فراهم شد و اندک اندک آثاری با سویه‌های رمانتیک شکل گرفت. نخستین سروده‌ای که پاره‌ای مضامین رمانتیک در آن به کار رفته مسمط «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» علی اکبر دهخدا است. این شعر را به دلیل شکل‌گیری اولیه آن در عالم رؤیا امید به عصر طلایی و افق‌های روشن آینده و پرداختن به عناصر طبیعت و برخورداری از فرم و قالب محتوای تازه می‌توان شعر رمانتیک به حساب آورد. «این شعر گویا نخستین شعر فارسی است که آثار مشخص اشعار اروپایی دارد و نه تنها صورت جدیدی در ادبیات منظوم ایران به وجود آورد، بلکه از جهت سمبولیسم عمیق و لحن استوار خود شایان توجه است» (آریان‌پور، ۱۳۸۲: ۹۴).

به دنبال آن می‌توان از میرزاده عشقی یاد کرد که در پرداختن به مفاهیم رمانتیک سرآمد شعرای عصر مشروطه است. در اشعار رمانتیک او جلوه‌هایی از وصف طبیعت و بازگشت به کودکی را می‌توان دید. مشهورترین شعر وی «سه تابلو مریم» است که از آن به عنوان اولین چکاد رمانتیسزم یاد می‌شود. عشقی یکی از بلندترین صداهایی است که علی رغم مرگ زودهنگامش طی سالیان پس از آن همچنان با شعرهای رمانتیک و زبان هجوگوش طنین عارف قزوینی دیگر چهره معروف رمانتیک در ایران بوده است. نخستین کسی که بر اثر آشنایی نزدیک با ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه توانست آثار شعری در خور توجهی را به سبک شاعران رمانتیک عرضه کند، نیما با اثر قابل اعتنا خود «افسانه» بود. افسانه در واقع یکی از نخستین شعرهای روایی نیما است که به قولی سنگ بنای شعر نو در زبان فارسی به شمار می‌آید (آریان‌پور، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

۴-۲. معینی کرمانشاهی

رحیم معینی کرمانشاهی (۱۳۰۱-۱۳۹۴) متولد کرمانشاه است. او ابتدا به نقاشی پرداخت، ولی با مخالفت خانواده آن را رها کرد. در شهریور ۱۳۲۰ و هم‌زمان با اشغال نظامی ایران و سقوط رضاشاه فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد. معینی کرمانشاهی از طریق نوشتن مقاله‌های تند و صریح مخالفت‌های خود را آشکار ساخت. از جمله فالیت‌های عمده او انتشار

روزنامه انقلابی سلحشوران غرب بود که در پی آن گرفتار زندان و تبعید شد. بعد از مدتی به تهران بازگشت، شیوه تازه‌ای در پیش گرفت و این بار غزل‌هایش وسیله نشان دادن خشم و اعتراض نسبت به اوضاع اجتماعی قرار گرفت. حاصل فعالیت‌های ادبی او کتاب «فطرت» و مجموعه‌ای از اشعار است به نام «ای شمع‌ها بسوزید». معینی کرمانشاهی ابتدا «عشقی» و بعد از مدتی «شوق» و سپس «امید» و در انتها «معینی» را برای تخلص برگزید (مروتی، ۱۴۰۲: ذیل معینی).

معینی شاعری توانا و خوش ذوق بود و ضمن سرودن شعر چندی به تصنیف و ترانه‌سازی پرداخت و تصانیف او که توسط خوانندگان رادیو خوانده می‌شد، به همین دلیل از شهرت بسزایی برخوردار گردید. در سال‌های بعد او سرگرم به نظم در آوردن تاریخ ایران بعد از زمانی شد که شاهنامه فردوسی به پایان رسید و نام آن را «شاهکار» گذاشت، اما بعد از انتشار هشت جلد به دلیل کهولت سن و بیماری نتوانست کارش را ادامه دهد. این مجموعه تا پایان زندیه را شامل می‌شود. آثار او شامل: ای شمع‌ها بسوزید، فطرت، خورشید شب، حافظ برخیز، دوره تاریخ ایران منظوم است.

۳. بحث

۳-۱. توجه به احساسات و هیجان‌های روحی و عاطفی

از جمله ویژگی‌های بارز و مهم و ترکیبی میان ادبیات غنایی و رمانتیسزم‌ها توجه به احساسات با درون مایه‌های عشقی است. آنها عواطف درونی خویش و رنج‌ها، دردها، بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها را آزادانه و بدون هیچ محدودیتی بازگو می‌کنند. با وجود این، شعر رمانتیک به سبب جنبه‌های اجتماعی همچون دوستی و همدلی و عشقی که در آن وجود دارد به زندگی نزدیک‌تر است؛ زیرا بدون هیچ قاعده و قانونی برای بیان احساسات آزاد است. مضامین عاشقانه معینی بیشتر زمینی و پر سوز و گداز است:

جز صفای خاطر محزون، ندارم خصم جانی	جز محبت در جهان، هرگز نکردم اشتباهی
یا سخن با من بگو، تا خوش کنم دل را به حرفی	یا نوازش کن دلم را با نگاه گاهگاهی
داروی دردم تو داری ناامید از در مرانم	ای به قربان تو جان دردمند من الهی

(مروتی، ۱۴۰۲: ۲۶۳)

شعر رمانتیک معینی کرمانشاهی بیانگر محتوای ساده فردی و اجتماعی است. اگرچه این اشعار دارای زبانی ساده و گاه روزمره است، اما سازوکارها و لحن شعر معینی کرمانشاهی به شکلی است که خواننده را درگیر رؤیاهای عشقی و آرمانی اجتماعی می‌کند که از جمله مولفه‌های ادبیات غنایی نیز به شمار می‌رود. به این شعر با عنوان «لوح مخدوش» توجه کنید:

من نگویم، که به درد دل من گوش کنید	بهرتر آن است که این قصه فراموش کنید
عاشقان را بگذارید بنالند همه	مصلحت نیست که این زمزمه خاموش کنید
خون دل بود نصیبم، به سر تربت من	لاله افشان به طرب آمده می نوش کنید
بعد من سوگ مگیرید، نیرزد به خدا	بهر هر زردرخی، خویش سیاه پوش کنید
غیر غم دار و ندارم به جهان چیست مگر؟	رشک کمتر به من هستی بر دوش کنید
خط بطلان به سر نامه هستی بکشید	پاره این لوح سبک پایه مخدوش کنید
سخن سوختگان طرح جنون می‌ریزد	عاقلان گفته عشاق فراموش کنید

(کرمانشاهی، ۱۳۵۳: ۱۵۰).

۲-۳. شکواییه

اهمیت شکواییه‌ها بیشتر در شناساندن حالات روحی سرایندگان آنهاست؛ زیرا علاوه بر آشکار ساختن وضع نامطلوب زندگی شاعر، از جامعه آرمانی او نیز تصویر روشنی به دست می‌دهد. در ادبیات غنایی خصوصاً اشعار بیشتر شکواییه‌های اجتماعی مطرح است. در این دسته از سروده‌ها، شاعران از نابرابری‌های اجتماعی، نادانی و فساد اخلاقی عوام و ناملایماتی از این قبیل شکایت دارند. جوهره اصلی این شکواییه‌ها، بیان ناهماهنگی جامعه آرمانی شاعر با جامعه‌ای است که خود در آن به ناکامی زندگی می‌کند (پورجوادی، ۱۳: ۴۵).

«مرا که هیچ در این شهر همزبانی نیست	چه غم اگر که ز غمخانه‌ام نشانی نیست
در قفس مگشایید و باغ منماید	برای مرغ سخنگوی آشیانی نیست
گیاه سوخته‌ای در میان صحرایم	کجاست ابر کرامت که باغبانی نیست
نهاده دل به کف و در پی خریدارم	سپارمش به تو ای غم، که دلستانی نیست
بگو به کودک و دیوانه که قدر خود دانید	که از جهان شما خوبتر جهانی نیست
به زیر سایه عزلت بخواب و بام مراد	ندیده گیر که دستی و نردبانی نیست
کنون که زنده‌ام ای دوست، قدر من بشناس	که چند روزه عمر این قدر زمانی نیست
پیمبری دگر ای خلق بر نمی‌خیزد	که نور عشق به پیشانی شبانی نیست

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۴۷)

در مبحث زبان شعر رمانتیک باید نگاهی هم به فرم اشعار رمانتیک داشت. نشانه‌های زبانی از جمله واژگان، از اجزای فرم به شمار می‌آید. «از اصلی‌ترین مختصات این شعرها وجود فضاها و رمانتیک است و نه به وسیله تصویر؛ که با استعمال بی‌حد و حصر کلمات پر زرق و برق» (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۲۱-۳۲۲). نشانه‌ها از این قرار است: برکه، سراب، مرمر، سایه، مهتاب، شب، غروب، طلوع، نور، عشق، ماه، مرگ، گور، روشن، شمع، پروانه، لاله، ظلمت می‌توان این واژگان را در تمامی ابیات مورد مثال این مقاله یافت.

۳-۳. آزادی

تغییرات اجتماعی ایجادشده در کشور و وجود تنش‌های سیاسی روشنفکران و طبقه کارگر شهری باعث ایجاد مفاهیم سیاسی نو در ادبیات اقلیم کرمانشاه شده است که آزادی یکی از آنهاست. «مهم‌ترین عوامل برای پیدایش رمانتیسم جامعه‌گرا، جنگ‌ها و انقلاب‌هاست. در ادبیات جهانی، جنگ جهانی تأثیر بسزایی در گسترش رمانتیسم اجتماعی بود و در برخی از کشورها چون فرانسه و روسیه، انقلاب مهم‌ترین انگیزه، برای ایجاد این مکتب بود. در ایران کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی از علل تغییر و تحول رمانتیسم به رمانتیسم اجتماعی بود» (نوربیلین، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

رمانتیسم عبارت است از: «آزادی‌خواهی در هنر» (سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۰) رمانتیک‌ها توانستند با گسترش و ابداع کلمات خاص خود و با کمک گرفتن از این گونه واژگان دست به ابداع مفاهیمی همچون آزادی در هنر بزنند. آنان همچنین توانستند تمام عناصر عامیانه را که در ادبیات کلاسیک از خود دور کرده بودند، بدین واسطه بار دیگر مطرح کردند و با ایجاد مفهوم آزادی‌خواهی در هنر بسیاری از قالب‌های ادبی دیرین را کنار گذاشته و به سوی قالب‌های ادبی متشور روی کنند. «تنها شعر رمانتیک است که بی‌پایان است و تنها شعر رمانتیک است که آزاد است و اولین قانون آن این است که دلخواه شاعر تحت

فشار هیچ قانونی نیست» (حسینی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۳۹). زبان معینی روان، ساده و بی تکلف و همه فهم است. به هیچ وجه اثری از تقلیدهای کلامی در آن دیده نمی‌شود. زبان ساده و طبع روان معینی در این غزل با عنوان «دیدار» به خوبی حس می‌شود:

«مرا بی یار و غمخوار آفریدند مرا بیمارِ بیمار آفریدند
مرا با درد عشق سینه‌سوزی از اول، بی پرستار آفریدند
مرا دائم قرین رنج کردند چو گل در سایه خار آفریدند
مرا چون مرغ خوشخوانی در این باغ گرفتار گرفتار آفریدند
مرا لبریز محنت خلق کردند مرا از غصه سرشار آفریدند»
(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۱۰۰)

نکته اینکه «داوری ذوقی ما از نظر کیفیت از هر نوع غرضی رهاست؛ یعنی لذت ناشی از ادراک زیبایی از هرگونه سودی مبرا است؛ چون زیبایی غایتی بدون هدف است» (ضمیران، ۱۳۷۷: ۲۵۵-۲۷۰).

۳-۴. نبوغ

«آموزش زیبایی‌شناختی به ما کمک می‌کند تا از ورطه دوگانه‌انگاری میان عقل و حس رها شده و حقیقت را در آشتی و سازش میان این دو حیطه جست‌وجو کنیم. کانت زیبایی را به آزادی در پدیدارها تعریف کرد و گفت، زیبایی وسیله‌ای است ضروری که انسان به مدد آن قادر می‌گردد به آزادی دست یابد (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۵). اشعار معینی با وجود نبوغ فکری و عمیق بودن با زبانی صمیمی و واژگانی دم دستی و با درون‌مایه‌های مربوط به زندگی روزمره و در عین حال تازه هستند.

«عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم.

همان یک لحظه اول،

که اول ظلم را می‌دیدم از مخلوق بی‌وجدان،

جهان را با همه زیبایی و زشتی،

به روی یکدیگر، ویرانه می‌کردم.

عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم

که در همسایه صدها گرسنه، چند بزمی گرم عیش و نوش می‌دیدم،

نخستین نعره مستانه را خاموش آن دم،

بر لب پیمانه می‌کردم

عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم

که می‌دیدم یکی عریان و لرزان، دیگری پوشیده از صد جامه رنگین

زمین و آسمان را واژگون، مستانه می‌کردم» (کرمانشاهی ۲۵۳۵: ۱۵۴).

«در عصر رمانتیسزم، جنبه‌های شخصیت انسانی که مورد توجه نبوده و بی‌اهمیت جلوه می‌کرد، مورد توجه و تأیید قرار گرفت و باعث همنوایی میان عقل و دل شد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

۳-۵. نزدیک شدن به زبان عامیانه

شعر رمانتیک دارای زبان نسبتاً ساده و روان است، و گاهی از زبان گذشته وام می‌گیرد. «در زبان بیانی هم به همان توصیف‌ها، توضیح‌ها، تصویرها، تشبیه‌ها و اطناب‌ها نظر دارد که با اندازه‌های شعر گذشته قابل مقایسه است» (تسلیمی، ۱۴۰۱: ۲۱).

«ذهنم هنوز محفوظه دود یادهاست	فکرم هنوز پنبجره رو به بادهاست
ذوقم هنوز وسمه کش چشم نقش‌هاست	مغزم هنوز صومعه اعتقادهاست
دستم هنوز شانه کش موی معرفت	پایم هنوز راهی شهر ودادهاست
رنگم هنوز رنگ شراب امیدهاست	خونم هنوز خون رگ اعتمادهاست
گوشم هنوز بر نفس پاک‌طیتان	چشمم هنوز بر کرم خوش نهادهاست
شعرم هنوز زیر خم لفظ‌ها اسیر	هوشم هنوز در قفس انجمادهاست
عشقم هنوز بندی قانون سنگ‌ها	عقلم هنوز پشت در اجتهادهاست
قلبم هنوز ضربه زن لحظه‌های عمر	نبطم هنوز منتظر رویدادهاست
با اینهمه چگونه گریزم به شهر نور	زین زندگی که سوخته اعتیادهاست
مهرم به خویش و غیر و خصومت به من بسی است	دل پاکی است و حاصل پاکی عنادهاست»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۳۲۵)

۳-۶. گریز از واقعیت

از جمله اصول مکتب رومانتیسم «فرار به سوی فضاها و زمان‌های دیگر و همچنین آزدگی از محیط و زمان موجود و دعوت به سفر تاریخی و جغرافیایی است.» (ر.ک: سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۱-۱۸۲).

«ندارد چشم من، تاب نگاه صحنه‌سازی‌ها	من یکرنگ بیزارم، از این نیرنگ‌بازی‌ها
زرنگی، نارفقا! نیست این، چون باز شد دست	رفیقان را ز پا افکندن و گردن‌فرازی‌ها
تو چون کرکس، به مشتی استخوان دلبستگی داری	بنازم همت والای باز و بی‌نیازی‌ها
به میدانی که می‌بندد پای شهسواران را	تو طفل هرزه‌پو باید کنی این ترک‌تازی‌ها
تو ظاهر ساز و من حقگو، ندارد غیر از این حاصل	من و از کس بریدن‌ها، تو و ناکس‌نوازی‌ها»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۲۵۶)

«دنیای شاعر رمانتیک صرفاً زاده خیال اوست» (میرصادقی، ۱۳۶۹: ۱۰۷). عنصر خیال شاخصه مهم رمانتیسم است که با دیگر شاخصه این مکتب یعنی گریز از واقعیت رابطه‌ای مبنایی دارد. «در این مکتب، روایت تازه‌ای از هنر از دیدگاه نظریه شناخت داده می‌شود و قوه خیال به عنوان قوه‌ای که بصیرت مستقیم به حقیقت دارد و از عقل و واهمه، متمایز و شاید هم از آن‌ها برتر است، مطرح می‌شود. قوه خیال، هم آفریننده و هم کاشف از طبیعت و ماورای آن است. این طرز تلقی که در واقع روایتی رمانتیک‌شده از ایده‌ئالیسم استعلایی کانت است، صورت تجربه را به قدرت شکل‌دهندگی ذهن و به قدرت من فیخته در وضع کردن جز من، نسبت می‌دهد» (کاپلستون، ۱۴۰۲: ۷۴-۸۶). نمونه دیگر از پناه بردن به اوهام و نازک‌خیالی‌ها و ظرافت طبع:

«گر به خون دل میسر آب و نانی شد مرا	در مقام صبر این هم امتحانی شد مرا
عمر از پنجه گذشت و پنجه غم بر گلو	صبر را نازم شه صاحبقرانی شد مرا

طوطی و آینه دیدی شاعر و عزلت بین
هر زمان ثابت شدم در سیر این صحرای کور
تا گلی از روزن طاق قفس بویم ز باغ
در صف این گله بودم از تواضع بره‌ای
ای که می‌جویی مکان و حال و روزم را به ناز
روزگارا من حریفم هر چه پایچم شوی
من به آب آبرو سبزم، به باران گو مبار
ای که خود غرق سلاح جوری و ما بی‌سلاح
در من از خورشید سوزان قیامت باک نیست

سایه دیوار حیرت همزبانی شد مرا
ریگ غلطانی درای کاروانی شد مرا
پله پله رنج و محنت نردبانی شد مرا
هر که در دست آمدش چوبی شبانی شد مرا
کوچه هر خانه بر دوشی نشانی شد مرا
غیرتی از قید وارستن توانی شد مرا
هر سرای دوستانم، بوستانی شد مرا
هر دعای نیمه شب تیر و کمانی شد مرا
بال عنق‌ای کرامت سایانی شد مرا»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۲۵۴)

۳-۷. انزوا و افسردگی

شاعر با یادآوری خاطرات و مرور آنها لحنی حاکی از حسرت به گذشته دارد، اما اکنون در دوران بزرگسالی با احساسی نزدیک به خسران بدان می‌نگرد. شعرهای رمانتیک امروز گاه اجتماعی و گاه فردی است و معمولاً اشعار رمانتیک از نوع فردی بیشتر جنبه شخصی و عاشقانه هستند.

«اشک گرم و خلوت سرد مرا نادیده‌ای
تا بدانی اینقدرها هم شکبیا نیستم
دل به دست آور شوی با مهربانی‌های خویش
لیکن آن روزی که من دیگر به دنیا نیستم»

(مروتی، ۱۴۰۲: ۲۶۴)

«شعر غنایی لزوماً صبغه‌ای معطوف به فرد دارد. صدای غالب در شعر غنایی، صدای شاعر یا سخنگوی منفرد و گوشه‌گیری است که دنیای درونی خود را کاملاً منحصر به فرد می‌داند و نگاه عاطفی خاصی به جهان پیرامون دارد» (پاینده، ۱۴۰۱: ۴۲ ج ۲):

«به انتظار نبودی، ز انتظار چه دانی؟
نه عاشقی که بسوزی، نه بیدلی که بسازی
هنوز غنچه‌اشکفته‌ای به باغ وجودی
تو چون شکوفه خندان و من چو ابر بهاران
چو روزگار به کام تو لحظه لحظه گذشته
درون سینه نهانت کنم ز دیده مردم
تو سربلند غروری و من خمیده قد از غم
تو خود عنان‌کش عقلی و دل به کس نسپاری
تو بی‌قراری دل‌های بی‌قرار چه دانی؟
تو مست باده نازی، از این دو کار چه دانی؟
تو روزگار گلی را که گشته خوار چه دانی؟
تو از گریستن ابر نو بهار چه دانی؟
ز نامرادی عشاق روزگار چه دانی؟
تو قدر این صدف ای در شاهوار چه دانی؟
ز بید این چمن ای سرو با وقار! چه دانی؟
ز من که نیست ز خود هیچم اختیار چه دانی؟»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۱۳۲)

۸-۳. احساس گرایی

از شاخصه‌های مکتب رمانتیک، بیان عاطفی است. تصور رمانتیک‌ها به طور کلی از هنر این بود که هنر بیان عواطف شخصی هنرمند است. «شعر رمانتیک دارای زبان نسبتاً ساده و روان است و گاهی از زبان گذشته وام می‌گیرد. در زبان بیانی هم به همان توصیف‌ها، توضیح‌ها، تصویرها، تشبیه‌ها و اطناب‌ها نظر دارد که با اندازه‌های شعر گذشته قابل مقایسه است» (تسلیمی، ۱۴۰۱: ۲۱). در اشعار معینی کرمانشاهی معشوق در جهان ماوراء سیر می‌کند و دست نایافتنی است. کلمات شعر از زمین جدا و نظر به عالم ماورایی دارد که حاکی از درون پرتلاطم شاعر است. به همین جهت است که شاعر در طلب معشوق روز و شب ندارد:

«اشکی به چشم و در دلم آهی نمانده است	دیگر مرا ز عشق، گواهی نمانده است
در چشم بی‌فروغ من از رنج انتظار	غیر از نگاه مانده به راهی نمانده است
در سینه سر چرا نکشم چون که بر سرم	جز سایه‌های بخت سیاهی نمانده است
در دوره‌ای که عشق گناه است بر دلم	جز جای داغ مهر گناهی نمانده است
نوری ز مهر نیست به دل‌های دوستان	لطفی دگر به جلو ماهی نمانده است
در باغ خشک دوستی ای باغبان عشق	از گل گذشته، برگ گیاهی نمانده است
شور و حلاوتی ز کلامی ندیده‌ایم	شوقی و جذبه‌ای به نگاهی نمانده است
حسرت‌کشی ببین که دگر از وجود من	جز ناله‌های گاه به گاهی نمانده است»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۳۲۶)

کیفیت غنایی این ابیات ناشی از احساس حسرت‌باری است که شاعر به جهان پیرامون خود دارد. نمونه دیگر از تأثیر واژگان پریسامد از جمله عشق، نور و صبح که از شاخصه‌های احساس‌گرایی مکتب رمانتیک را در شعر زیر مشاهده می‌کنیم:

«هیچ کس گمان نداشت
این کیمیای عشق را ببین
کیمیای نور را که خاک خسته را
صبح و سبزه می‌کند
کیمیا و سحر صبح را نگاه کن
جای بذر مرگ و برگ خونی خزان
کیمیای عشق و صبح
و سبزه آفریده است
خنده های کودکان و باغ مدرسه
کیمیای عشق سرخ را ببین
هیچ کس گمان نداشت این» (کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۳۲۱).

۹-۳. سرگردانی عاشق دل‌سوخته

رنج کشیدن بسیار عاشق در تمنای معشوق، او را به شخصیتی پریشان و غمگین تبدیل می‌کند. شخصیتی که شاعر را به بریدن از جهان بیرونی و بازگشت به عالم درونی وادار می‌نماید:

به پندار تو

«جهانم زیباست!

جامه‌ام دیباست!

دیده‌ام بیناست!

زیانم گویاست!

قفسم طلاست!

به این ارز که دلم تنهاست؟» (کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۱۰).

در این ابیات بریده بریده، شاعر چندان شعراندیش نیست بلکه نمای کلی از فکر فلسفی خود را نشان می‌دهد، با این همه، می‌توان وجود اندوهی را درون شاعر مشاهده کرد که گویا زودگذر هم نیست. بهترین ساختاری که شاعر تلخ‌کام احساس کرده می‌تواند بیانگر اندیشه‌هایش باشد، شعر است. با وجود این، قصد شاعر تلخ‌کامی مخاطب نیست، بلکه سعی دارد تنها احساس فردی خود بیان کند. حال مثالی دیگر از معینی که این بار شعر کاملاً منظوم است، ولی درون‌مایه، همان بیان احساسات شخصی و فردی شاعر است، با این تغییر که شعر با لحنی سرخوشانه بیان شده است:

«می‌گیرم و می‌خندم، دیوانه چنین باید	می‌سوزم و می‌سازم، پروانه چنین باید
می‌کویم و می‌رقصم، می‌نالَم و می‌خوانم	در بزم جهان شور، مستانه چنین باید
من این همه شیدایی، دارم ز لب جامی	در دست تو ای ساقی، پیمانه چنین باید
خلقم ز پی افتادند، تا مست بگیرندم	در صحبت بی‌عقلان، فرزانه چنین باید
یکسو بردم عارف، یکسو کشدم عامی	بازیچه هر دستی، طفلانه چنین باید
بر تربت من جانا، مستی کن و دست افشان	خندیدن بر دنیا، رندانه چنین باید»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۱۹۶)

۱۰-۳. توصیف

توصیف و وصف از جمله ابزارهای ادبیات غنایی در شعر معینی کرمانشاهی است و در همین حال ارائه مناظر ساده طبیعی و روستایی نیز از دیگر ویژگی‌های رمانتیک است، خصوصاً توصیف مناظر غمگین و طبیعت وحشی و اندوهناک:

«چه گویم، چها دیده‌ام سال‌ها	اسیرانه نالیده‌ام سال‌ها
کلامی پسند دلم ای دریغ	نه گفتم نه بشنیده‌ام سال‌ها
من آن شمع خود سوز زندانیم	که دزدانه تابیده‌ام سال‌ها
چو ابر پریشان در کوه‌سار	چه بیهوده باریده‌ام سال‌ها
در این بوستان در خور آتش است	گیاهی که من چیده‌ام سال‌ها
ز بی‌مقصدی چون یکی گردباد	به هر سوی گردیده‌ام سال‌ها
ز لب‌های من خنده هرگز مجوی	من این سفره برچیده‌ام سال‌ها»

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۹۵)

شاعر در مکتب رمانتیک طبیعت را در حکم الگو نمی‌بیند و آن را توصیف و گزارش نمی‌کند، بلکه با ایجاد پیوندهای درونی و پرداخت آن به واسطه شعر به حالت برونی رابطه عمیق‌تر و نزدیک‌تر با آن ایجاد می‌کند. «شاعران از هر گرایشی چنان در طبیعت مستغرق و سرگشته‌اند که نزدیک است در آن مستحیل و معدوم شوند»

(فتوحی، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

۱۱-۳. گرایش به مذهب و اشعار دینی

از نظر موضوع شعر غنایی هیچ محدودیت ندارد و طیف گسترده‌ای از موضوعات در دایره‌ی شمول آن قرار می‌گیرند، هرچند به طور معمول موضوعاتی مانند عشق (به‌ویژه عشق ناکام) و اندوه در کانون توجهات شاعر غنایی هستند» (پاینده، ۲۱۴: ۵۱ج۱):

بحث ایمان دگر و جوهر ایمان دگر است	جامه پاکی دگر و پاکی دامان دگر است
کس ندیدیم که انکار کند وجدان را	حرف وجدان دگر و گوهر وجدان دگر است
کس دهان را به ثناگویی شیطان نگشود	نفی شیطان دگر و طاعت شیطان دگر است
کس نگفته است و نگوید که دد و دیو شوید	نقش انسان دگر و معنی انسان دگر است
کس نیامد که ستاید ستم و تفرقه را	سخن از عدل دگر، قصه احسان دگر است
هر که دیدم به خدمت کمری بست به عهد	مرد پیمان دگر و بستن پیمان دگر است
هر که دیدیم به حفظ گله از گرگان بود	قصد قصاب دگر، مقصد چوپان دگر است

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۸۷)

«شاخصه دیگر مکتب رمانتیسم، نمادگرایی است؛ این تصور که اثر هنری به معنای نماد یا تجسم محسوس معنای روحی است، گرچه از قدیم مرسوم بوده است، در دوره رمانتیک اهمیتی بسیار یافت.» (کاپلستون، ۱۴۰۲: ۷۴-۸۶ ج۸). نمادهای روشن ایمان، ثناگو، وجدان، طاعت که گاهی رگه‌هایی از شعر رمانتیک، سمبولیک را دارد در نخستین قرائت نظر خواننده را جلب می‌کند. شعر به تدریج دارای نمادهای اجتماعی چون ستم، تفرقه و عدل می‌شود. با این وجود دچار ابتذال نمی‌شود؛ زیرا نمادها در بافت شعر جای می‌گیرند. «رمانتیسم در شعر فارسی، به نحوی سنتی و کلاسیک بود و بی آن که سیر طبیعی‌اش را طی کرده باشد، همزمان با مکتبی دیگر (سمبولیسم) در برابر شعر کلاسیک ایستاد» (تسلیمی، ۱۴۰۱: ۸۵).

معینی با نگاهی به سمبولیسم، برخی نمادهای اجتماعی را نیز در شعر خود به کار برده است:

هر که دیدیم به حفظ گله از گرگان بود قصد قصاب دگر، مقصد چوپان دگر است

(کرمانشاهی، ۲۵۳۵: ۸۷)

۴. نتیجه‌گیری

با بررسی مشخصه‌های رمانتیسم وجود مفاهیم و اصول مکتب رمانتیک در آثار معینی کرمانشاهی و تأثیر او از این مکتب فکری غیر قابل انکار است. این تأثیرها عوامل بسیاری دارد که ریشه در اندیشه شاعر دارد. نمود مفاهیم رمانتیک در شعر معینی با احساس مسئولیت وی نسبت به همه انسان‌ها بیان و ظاهر می‌شود. او می‌کوشد، جایگاه ارزشمند انسان‌ها، زن، مرد، کودک، هموطن و غیر هموطن به آنان یادآوری شود. معینی با وجود حفظ ذهنیت غنایی در اشعارش، به مسائل اجتماعی و سیاسی - آزادی و فقر - نیز توجه کرده است، این برخورد با مسائل سیاسی و اجتماعی او را به شاعری متعهد تبدیل می‌کند. به همین دلیل نمی‌توان گفت او تنها از احساسات و عواطف عاشقانه خود سخن گفته است؛ از این‌رو، در شعر او ذهنیت غنایی با پرداختن به مسائل اجتماعی نیز همراه است. بسامد طبیعت در مفهوم نمادین به ویژه نمادهای سیاسی و اجتماعی نیز

در شعر او نقش زیادی دارد. او با استفاد از این مفاهیم سعی در نقد مسائل اجتماعی و حکومت دارد. با توجه به این یافته‌ها روشن است که رمانتیسم اجتماعی در شعر معینی کرمانشاهی نمود چشمگیری دارد.

منابع

- آریان‌پور، یحیی (۱۳۸۲). *از صبا تا نیما*. ج. ۳. تهران: زوار.
- احمدی، بابک (۱۳۸۶). *حقیقت و زیبایی*. تهران: مرکز.
- پاینده، حسین (۱۴۰۱). *داستان کوتاه در ایران*. ج. ۲. تهران: نیلوفر.
- تسلیمی، علی (۱۳۹۶). *پژوهشی انتقادی کاربردی در مکتب‌های ادبی*. تهران: کتاب آمه.
- تسلیمی، علی (۱۴۰۱). *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر (شعر)*. تهران: اختران.
- تسلیمی، علی (۱۴۰۲). *نقد ادبی (نظریه‌های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات)*. تهران: اختران.
- جمالی، منصور (۱۳۹۰). *نقد و تحلیل مشخصه‌های بارز رمانتیسم در شعر محمدتقی بهار. زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*. ۸ (۳۰)، ۱۶۱-۱۳۷.
- رحیمیان، محبوبه؛ نجاریان، محمدرضا (۱۳۹۰). *بررسی و نقد سروده‌های معینی کرمانشاهی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه یزد. یزد. ایران.
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۷). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*. تهران: پازند.
- کاپلستون، فردریک (۱۴۰۲). *تاریخ فلسفه کاپلستون*. ترجمه داریوش آشوری. تهران: علمی و فرهنگی.
- لنگرودی، شمس (۱۳۷۷). *تاریخ تحلیلی شعر نو*. تهران: مرکز.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *انواع ادبی*. تهران: فردوس.
- ضیمران، محمد (۱۳۷۷). *هنر و زیبایی*. تهران: کانون.
- عزیزی، ناهید (۱۳۹۵). *تأثیر مکتب رمانتیسم غرب بر ادبیات منظوم و مثنوی دوره مشروطه. اندیشه‌های ادبی*. ۲ (۷)، ۵۸-۳۳.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۸). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- مروتی، محمد امین (۱۴۰۲). *نام‌آوران شعر و ادب کرمانشاه*. کرمانشاه: ربیدان.
- معینی کرمانشاهی، رحیم (۱۳۸۲). *حکایت نگفته*. تهران: سنایی.
- معینی کرمانشاهی، رحیم (۲۵۳۵). *دیوان اشعار*. تهران: سنایی.
- معینی کرمانشاهی، رحیم (۱۳۷۰). *فطرت، اندیشه‌ای در معنوی*. تهران: سنایی.
- معینی کرمانشاهی، رحیم (۱۳۷۵). *ای شمع‌ها بسوزید*. تهران: سنایی.
- معینی کرمانشاهی، رحیم (۱۳۷۷). *خورشید شب*. تهران: سنایی.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۶۹). *شناخت مکتب‌های ادبی ۲ (نمادگرایی)*. چیتا. ۹ (۶۸)، ۱۱۰۴-۱۱۰۷.
- نوربلین، نیلا (۱۴۰۱). *بررسی مکتب رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو. جستارنامه ادبیات تطبیقی*. ۶ (۱۹)، ۱۲۹-۱۰۸.

References

- Ahmadi, B. (2007). *Truth and Beauty*. Tehran: Center
- Arianpour, Y. (2003). *From Saba to Nima*. Vol. 3. Tehran: Zavar.
- Azizi, N. (2015). The influence of Western romanticism school on the poetry and prose literature of the constitutional period. *Andishehay Adabi*. 2 (7), 33-58.
- Copleston, F. (2023). *Copleston's History of Philosophy*. Dariush Ashuri (Trans.). Tehran: Scientific and Cultural.
- Fotuhi, M. (2018). *The Rhetoric of Image*. Tehran: Sokhan.

- Jamali, M. (2011). Criticism and analysis of the characteristic features of romanticism in the poetry of Mohammad Taqi Bahar. *Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Mashhad*. 8 (30), 137-161.
- Langroudi, Sh. (1998). *Analytical History of New Poetry*. Tehran: Center.
- Mirsadeghi, M. (1990). Knowledge of literary schools 2" (symbolism). *Chista*, 9 (68), 1104-1107.
- Mo'ini Kermanshahi, R. (1991). *Nature, a Spiritual Thought*. Tehran: Sanai.
- Mo'ini Kermanshahi, R. (1996). *Burn the Candles*. Tehran: Sanai.
- Mo'ini Kermanshahi, R. (1998). *The Sun of Night*. Tehran: Sanai.
- Mo'ini Kermanshahi, R. (2003). *Untold Story*. Tehran: Sanai.
- Mo'ini Kermanshahi, R. (2535). *Divan of Poems*. Tehran: Sanai.
- Morovati, M. A. (2023). *Poetry and Celebrities of Kermanshah*. Kermanshah: Rabidan.
- Norbelin, N. (1401). Investigation of the school of social romanticism in Shamlu's poetry. *Journal of Comparative Literature*. 6 (19), 108-129.
- Payandeh, H. (2022). *Short Story in Iran*. Vol. 2. Tehran: Niloofer.
- Rahimian, M. & Najarian, M. (2013). *Examination and Criticism of Certain Poems of Kermanshahi*. (MA Tethes). Yazd University. Yazd. Yazd.
- Shafiei Kodkani, M. R. (2010). *Periods of Persian Poetry from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy*. Tehran: Sokhan.
- Shamisa, S. (2004). *Literary Types*. Tehran: Ferdous.
- Taslimi, A. (2016). *Applied Critical Research in Literary Schools*. Tehran: Ketab-e- Aame.
- Taslimi, A. (2022). *Propositions in Contemporary Literature (Poetry)*. Tehran: Akhtaran.
- Taslimi, A. (2023). *Literary Criticism (Literary Theories and Their Application in Literature)*. Tehran: Akhtaran.
- Zarqani, S. M. (2007). *Iran's Contemporary Poetry Perspective*. Tehran: Pazand.
- Zeymaran, M. (1998). *Art and Beauty*. Tehran: Kanoon.

نحوه ارجاع به مقاله:

گراوندی، طهمورث؛ برزویی، رضا؛ الهامی، شراره؛ علوی، رقیه (۱۴۰۳). بررسی شاخصه‌های مکتب رمانتیسم در اشعار معینی کرمانشاهی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۴ (۵۱)، ۹۶-۱۱۱. Doi: 10.71594/LYRICLIT.2024.1121397

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

